

نشریه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)

سال ششم، شماره سوم، پیاپی ۲۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۱-۳۴

مخاطب‌شناسی سنایی در آثار منثور قرن ششم تا دهم هجری

سید مهدی زرقانی* - محمدجعفر یاحقی**

محبوبه علی حوری فیض‌آبادی***

چکیده

پرسش اصلی مقاله، چنان که از عنوان آن هم بر می‌آید، مخاطب‌شناسی سنایی در آثار منثور قرن ششم تا دهم هجری است. برای یافتن پاسخ، ابتدا آثار منثوری را که از اشعار سنایی استفاده کرده بودند، شناسایی کردیم. پس از استخراج ابیات و مطابقت آن‌ها با آثار سنایی، منابع مذکور بر اساس موضوع در هشت گروه طبقه‌بندی شدند: آثار تاریخی، عرفانی، تفسیری، زندگی‌نامه‌ای، اخلاقی، فنی - ادبی، روایی - داستانی و ترسلی. سپس با چهار رویکرد متفاوت داده‌ها را بررسی کردیم. نخست، رویکرد تاریخی که نشان می‌داد، هر کدام از آثار سنایی در کدام دوره تاریخی و تا چه حد مورد توجه نویسندگان بوده‌است؛ دوم، رویکرد جغرافیایی که می‌خواهد به این پرسش پاسخ دهد که در قرن ششم تا دهم، شعر سنایی در کدام مناطق خواننده داشته‌است؛ سوم، رویکرد تحلیلی - موضوعی که در صدد است تا اولاً طیف مخاطبان سنایی را در طول تاریخ نشان دهد، ثانیاً معلوم کند هر گروه بیشتر به کدام بخش آثار او توجه داشته‌اند و سوم این که مشخص کند نویسندگان از اشعار سنایی در چه زمینه‌های معنایی - عاطفی بهره برده‌اند و نهایتاً این که دریافت خوانندگان شعر سنایی در طول تاریخ، چه تفاوتها

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد (مسئول مکاتبات) zarghani@um.ac.ir

** استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد mgyahaghi@yahoo.co.uk

*** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد m.alihoory@yahoo.com

و چه وجوه مشترکی دارد. آخرین رویکرد ما، آماری است که بر اساس آن به‌طور مشخص می‌خواهیم به سه پرسش پاسخ دهیم: شعر سنایی در قرن ششم تا دهم در میان کدام گروه از نویسندگان خوانندگان بیشتری داشته‌است؟ سیر اقبال به شعر او در بازه زمانی مذکور چگونه بوده‌است و سرانجام این که، کدام اثر سنایی بیشتر مورد توجه خوانندگان بوده‌است؟

واژه‌های کلیدی

شعر سنایی، مخاطب شناسی، تاریخ ادبیات، شعر عرفانی

۱. درآمد

میزان حضور یک شاعر در حافظه تاریخی و ادبی را می‌توان از طریق بررسی بازتاب آثار او در میان نوشتارهای بعد از خودش تعیین کرد. حکومت معنوی سنایی بر قلمرو آثاری که به خط فکری عرفانی تعلق دارند، امری طبیعی و مطابق با انتظار است؛ اما توجه طیف وسیع و متنوع نویسندگان در دوره‌های تاریخی مختلف به شعر وی، حاکی از آن است که او توانسته به قلمروهای متعددی از تاریخ ادبی ایران نفوذ کند و شخصیت‌های مختلف، در روزگاران متناوب و در مکان‌های متعدد به او و شعرش توجه داشته‌اند. ترسیم همین قلمروها در مورد سنایی، موضوع اصلی مقاله حاضر است. در بررسی آثاری که از سروده‌های سنایی بهره گرفته‌اند، می‌توان رویکرد تاریخی، جغرافیایی و زمینه‌های معنایی را اساس قرار داد. هر کدام از این‌ها، زاویه‌ای از موضوع و برآیند کلی آن‌ها، تصویر کلی قلمرو معنوی سنایی در تاریخ ادبی ایران را به خوانندگان عرضه می‌کند. بررسی‌های آماری نیز در روشن‌تر شدن جنبه‌های کمی موضوع بسیار کارآمد خواهد بود. این تحقیق نشان می‌دهد که خوانندگان اشعار سنایی در طول تاریخ ادبی، بیشتر از چه طیفی بوده‌اند، به چه مضامینی از اشعار او و به کدام اثرش اقبال بیشتری داشته‌اند و نهایتاً این که در نگاه آن‌ها، شعر سنایی دارای چه زمینه‌های معنایی - عاطفی خاص در هر گروه و نیز مشترک در بین همه گروه‌ها بوده‌است. ترسیم تصویر ذهنی‌ای که خوانندگان شعر سنایی در طول بازه زمانی حدود چهار صد و پنجاه سال داشته‌اند، هدف عمده‌ای است که بخشی از آن در این تحقیق مشخص خواهد شد.

۲. بحث

۲-۱. منبع‌شناسی و روش تحقیق

داده‌های اولیه این مقاله عمدتاً برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، با عنوان «بررسی و تحلیل کاربرد اشعار سنایی در متون نثر تا پایان قرن دهم» است که در تابستان ۱۳۸۹ و به راهنمایی محمد جعفر یاحقی در دانشگاه فردوسی مشهد به پایان رسید. نیز در این مقاله، برخی منابع دیگر که در پایان‌نامه مذکور بررسی نشده بود، افزوده شد تا دامنه تحقیق گسترده‌تر باشد. بدین ترتیب می‌توان گفت جامعه آماری پژوهش حاضر، همه آثار مشثوری است که از حدود قرن ششم تا دهم هجری به رشته تحریر درآمده، تصحیح و چاپ شده و در دسترس ما قرار داشته است. در عین حال، بعید نیست که آثار معدودی هم از چشم ما دور مانده باشد. ممکن است با بررسی‌های بیشتر، آثار دیگری هم یافت شود که از شعر سنایی بهره گرفته باشند؛ اما تا پیداشدن آثاری که نتایج مقاله حاضر را تغییر دهد، می‌توان به داده‌های این تحقیق استناد کرد.

روش تحقیق، کتابخانه‌ای و نوع آن، توصیفی - تحلیلی است. در مرحله نخست، همه ابیاتی را که در آثار مذکور، به نام سنایی ثبت شده بود و یا ابیاتی که بدون ذکر نام شاعر در آن‌ها آمده بود و ما آن‌ها را در آثار سنایی یافتیم، گرد آوردیم. سپس آثار مذکور بر اساس موضوع، در هشت گروه طبقه‌بندی شد. در بخش پایانی تحقیق، سعی کردیم، نسبت سروده‌های مذکور را با اشعار سنایی تبیین کنیم. رویکرد تاریخی، جغرافیایی، تحلیل موضوعی و آماری چهار رویکرد غالب ما در این مقاله خواهد بود.

۲-۱. رویکرد تاریخی

صرف نظر از اختلاف نظرهای مورخان ادبی درباره تاریخ فوت سنایی، این قدر معلوم است که او در پایان ربع اول قرن ششم در گذشته است. در همین قرن، ابیاتی از سنایی را در بیست و دو اثر مشثور شناسایی کردیم که بیشترشان از گروه نوشتارهای عرفانی هستند: بحارالحقیقه، سوانح‌العشاق، رساله عینیه، تمهیدات، لوائح و نامه‌های عین‌القضاة، مقامات ژنده‌پیل، شرح شطحیات، عبهرالعاشقین و اسرارالتوحید. آثار تاریخی (تاریخ‌الوزرا، عقدالعلی، راحة‌الصدور و تاج‌المآثر) و متون روایتی - داستانی (کليلة و دمنه، روضة‌العقول، سندبادنامه و راحة‌الارواح) در مرتبه بعدی قرار می‌گیرند. نویسندگان آثار ترسلی (نامه‌های وطواط و التوسل الی الترسل) و کتب سیاست مدن (اغراض‌السیاسة) در حد کمتری و کشف‌الاسرار، از خانواده متون تفسیری از اشعار سنایی بیشترین استفاده را کرده‌اند.

در قرن هفتم، بیست و هفت اثر را یافتیم که سروده‌های سنایی به آن‌ها راه یافته‌است. این آمار، بیانگر افزایش کمی آثاری است که به شعر سنایی روی آورده‌اند؛ ضمن این‌که آثار مذکور از تنوع موضوعی قابل توجهی برخوردارند. از میان آثار عرفانی این سده نیز ده اثر به سروده‌های سنایی استشهد جسته بودند (مرصادالعباد، مرموزات اسدی، عقل و عشق، معارف ترمذی، مقالات شمس، معارف بهاء ولد، مکتوبات مولانا، مجالس سبعة، فیه ما فیه و کشف الحقایق). در عین حال، نباید نظرمان یک‌سره معطوف به جنبه آماری باشد و از این نکته غافل بمانیم که این آثار در شمار امهات کتب عرفانی به شمار می‌روند.

اگر تعداد آثار را مبنا قرار دهیم، اقبال مورخان قرن هفتم به شعر سنایی بیشتر از سده پیشین بوده‌است (نفتةالمصدر، تاریخ جهانگشا، طبقات ناصری، تاریخ شاهی، زبدةالتواریخ و جامع‌التواریخ). هم‌چنین آثاری که در گروه سیاست مدن و حکمت عملی قرار می‌گیرند، افزایش یافته‌اند: آداب‌الحرب و الشجاعة، تحفةالملوک و اخلاق ناصری). در مقابل، تعداد آثار روایی - داستانی کمتر شده و به مرزبان‌نامه و جوامع‌الحکایات محدود مانده‌است. در میان منابع زندگی‌نامه‌ای در قرن پیش موردی دیده نشد اما در سده هفتم فضایل بلخ از شعر سنایی بهره گرفته‌است. آثار تفسیری (بیان‌الحقایق، لطایف‌الحقایق، اسئله و اجوبه رشیدی) نیز نسبت به قرن پیش افزایش یافته‌اند. در حوزه فنون ادبی نیز دو اثر در قرن هفتم تألیف شده (المعجم شمس قیس و معیارالاشعار) که به اشعار سنایی استشهد جسته‌اند.

حضور سنایی در نوشته‌های منثور قرن هشتم در همان حدود سده پیش است: بیست و شش اثر. عجیب است که تعداد آثار عرفانی کاهش یافته (مصباح‌الهدایه، مرآت‌المحققین، العروه لاهل‌الخلوه، مصنفات سمنانی، نزهة‌الارواح، اوراد‌الاجاب، مناقب‌العارفين و صفوة‌الصفاء) و در مقابل آثار تاریخی سیر تصاعدی پیدا کرده‌اند (المعجم فی آثار ملوک، سمط‌العلی، تاریخ بناکتی، تاریخ گزیده، تاریخ‌نامه هرات، تاریخ سلاجقه، تجارب‌السلف، مجمع‌الانساب، مواهب‌الهی و ظفرنامه). کتب فنون ادبی و لغت (صحاح‌الفرس و حقایق‌الحدائق)، سیاست مدن و اخلاق اجتماعی (اخلاق‌الاشراف، ذخیره‌الملوک و دستورالجمهور)، منابع زندگی‌نامه‌ای و کتب رجال (فردوس‌المرشدیه)، آثار روایی - داستانی (طوطی‌نامه) و کتب تفسیری (مصایح‌القلوب) نیز در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.

سیطره معنوی شعر سنایی قرن نهم را نیز در بر گرفته‌است؛ هر چند تعداد آثاری که به شعر وی اقبال داشته‌اند، به هجده اثر کاهش یافته‌است. در این میان، کاهش تعداد آثار عرفانی که از قرن هشتم شروع

شده بود، در این قرن با شدت بیشتری ادامه پیدا می‌کند (ینبوع‌الاسرار، جواهر‌الاسرار، رساله‌های شاه نعمت‌الله ولی و اشعة‌اللمعات). همین وضعیت را در مورد آثار تاریخی نیز مشاهده می‌کنیم (منتخب‌التواریخ معینی، زبدة‌التواریخ، مطلع‌سعدین، روضات‌الجنات و روضة‌الصفاء). در مقابل، در گروه متون تفسیری (جواهر‌التفسیر، حدائق‌الحقایق و مواهب‌علیه) حضور سنایی پررنگ‌تر از دوره‌های پیشین است. منابع زندگی‌نامه‌ای (نفحات‌الانس، تذکره‌الشعرا، احوال و سخنان خواجه عبیدالله احرار)، کتب روایی - داستانی (داراب‌نامه بیغمی، انوار سهیلی) و کتب فنی - ادبی (بدایع‌الافکار) در مرتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. بر این اساس، می‌توان گفت در قرن نهم نویسندگان متون تاریخی و نیز تفسیری بیشترین توجه را به شعرهای سنایی داشته‌اند.

میزان محبوبیت سنایی در میان نویسندگان قرن دهم به پایین‌ترین سطح خود در طول چهارصد و پنجاه سال پیش از آن می‌رسد. روی هم رفته، در قرن دهم، تعداد آثار تاریخی که از سروده‌های سنایی استفاده کرده‌اند، بیشتر از دیگر آثار است (حییب‌السیر، تاریخ نگارستان، تاریخ جهان‌آرا، احسن‌التواریخ و خلاصة‌التواریخ). اگر منابع زندگی‌نامه‌ای را در ذیل خانواده‌نوشته‌های تاریخی قرار دهیم، باید بگوییم قرن دهم، قرن حضور سنایی در منابع تاریخی است (ریاض‌الافکار، تذکره شاه طهماسب و خلاصة‌الاشعار). عجیب است که در دیگر موضوعات، جز در آثار ترسلی (منشآت میبدی)، نشانی نیافتیم. علت این کم‌شدن اقبال به شعر سنایی هر چه باشد، در این نکته نمی‌توان تردید کرد که حضور شعر سنایی برای مدت طولانی و در طیف متنوعی از آثار، روشن‌ترین دلیل است بر این که او توانسته جایگاه خود را در حافظه تاریخی فارسی‌زبانان حفظ نماید.

۲-۲. رویکرد جغرافیایی

شعر سنایی در طی این چهار قرن و نیم، در کدام مناطق جهان خواننده داشته‌است؟ یافتن پاسخ دقیق برای این پرسش، به خاطر فقدان اطلاعات لازم، عملاً امکان‌پذیر نیست. حتی اگر پاسخ ما صرفاً بر اساس آثار مکتوب نویسندگانی باشد که از شعر سنایی بهره گرفته‌اند، باز هم نمی‌توان به پاسخی علمی و دقیق دست پیدا کرد؛ چرا که نویسندگان کلاسیک در یک جا ساکن نبودند و درست معلوم نیست که کدام اثرشان را در کدام منطقه نوشته‌اند. برای مثال، ما می‌دانیم که میبدی از شعر سنایی استفاده کرده‌است؛ اما بر این اساس نمی‌توانیم بگوییم، شعر سنایی در یزد خوانندگانی داشته‌است. در عین حال، می‌توان با بررسی منطقه تولد و زندگی نویسندگانی که شعر سنایی را در آثارشان آورده‌اند، تصویری کلی از مناطق جغرافیایی که شعر وی بدان راه یافته‌است، ارائه داد.

این قدر معلوم است که در قرن ششم، شعر سنایی غیر از خراسان بزرگ (شیخ احمد جام)، در همدان (عین‌القضاة)، فارس (روزبهان بقلی) مخاطبان خود را یافته‌است. در قرن هفتم، حدود و ثغور امپراتوری او گسترده‌تر شده، غیر از خراسان، نویسندگانی که محل زندگی یا تولدشان کرمان (ابوحامد کرمانی)، کاشان (جمال‌الدین کاشانی)، همدان (رشیدالدین فضل‌الله)، آمل (ابن اسفندیار)، سمنان (احمد بن محمد بیابانکی) و آسیای صغیر (محمد ملطیوی) بوده، اشعار او را در آثارشان نقل کرده‌اند. در قرن هشتم، قلمرو حکومت معنوی او به گسترده‌ترین سطح خود می‌رسد؛ چون غیر از خراسان بزرگ، نویسندگانی که محل تولد یا زندگی‌شان قسمت‌های مرکزی و شمال غربی ایران بوده و نیز کسانی که به شبه قاره هند رفته‌اند، به شعر وی استناد جسته‌اند: در کرمان، شاه نعمت‌الله ولی؛ در آذربایجان، شیخ محمود شبستری و در شبه قاره هند، میر سید علی همدانی و تقی‌الدین کاشی. در قرن نهم و دهم نیز همین وضعیت کم و بیش ادامه پیدا می‌کند.

ورود شعر سنایی به مناطق داخلی و کرانه‌های غربی و شمالی فلات ایران در قرن ششم قابل اثبات است. نیز مدارک موجود به ما اجازه می‌دهد که بگوییم در قرن هفتم و هشتم شعر سنایی به آن سوی فلات؛ یعنی آسیای صغیر و شبه قاره هند، نیز راه پیدا کرده‌است. احتمال می‌دهیم که در دو قرن نهم و دهم نیز شعر سنایی در همین مناطق خوانندگانی داشته‌است، هر چند اطلاع دقیقی از میزان و تنوع مخاطبان را در هر منطقه در اختیار نداریم؛ اما این تصویر کلی چنان هست که بتوان گفت درباره‌ی زمانی مورد بررسی ما، شعر سنایی توانسته مخاطبانی در ایران، آسیای صغیر و شبه قاره هند پیدا کند.

۲-۳. بررسی طیف مخاطبان با رویکرد تحلیلی - موضوعی

پرسش بعدی این است که کدام گروه از نویسندگان در طول تاریخ به آثار سنایی توجه بیشتری داشته‌اند و سروده‌های او را در کدام زمینه‌های معنایی بیشتر مورد استفاده قرار داده‌اند؟ پاسخ به این پرسش، نشان می‌دهد که طرز مواجهه با اشعار سنایی در طول تاریخ چگونه بوده و دریافت مخاطبان از شعر وی چه تطوری داشته‌است. ما می‌توانیم، مجموعه آثار را که از شعر سنایی بهره گرفته‌اند، در قالب هشت گروه بگنجانیم. معیارمان در این گروه‌بندی، موضوع آثار است: آثار عرفانی، تاریخی، زندگی‌نامه‌ای، تفسیری، سیاست مدن و اخلاق اجتماعی، ادبی - فنی، روایت‌های داستانی و ترسلی.

۲-۳-۱. آثار عرفانی

از ده اثر نوشته‌شده در قرن ششم، سوانح‌العشاق از سروده‌های سنایی در زمینه‌های معنایی فنا، عشق

عرفانی و ترک منیت، رساله عینیه در زمینه معنایی - عاطفی غم عشق، زهد، ترک جسم و جهان ماده، تمهیدات در عشق عرفانی، معشوق ازلی، غم عشق، مذهب عشق و سلطنت عشق، رساله لویح در قلندریات، معشوق ازلی، عاشق عرفانی، نامه‌های عین‌القضاة در فنا، عشق عرفانی، اخلاق، تمنای وصال، ترک خودی، تعریف عشق، غم عشق، رهایی عاشقانه، فنا، زیبایی معشوق، شعف وصال، رسوایی عاشق و والامقامی معشوق به اشعار سنایی استشهداد جسته‌اند.

باز در همین قرن، در حالی که نویسندگان خراسانی مثل مؤلف مقامات ژنده‌پیل، اسرارالتوحید و بحارالحقیقه در سطح بسیار محدودی، برای بیان مضامینی نظیر وارستگی عشق، برتر بودن آن از سطح درک انسانی، تجربی بودن عشق، اتحاد با معشوق به شعر سنایی روی آورده‌اند، روزبهان بقلی از کانون فارس در سطح گسترده‌تری از شعر وی بهره برده است. مضامین مورد نظر وی از این قرار است: توحید، زهد، تسامح دینی، سختی‌های عشق، مذهب عاشق، سلوک طریقت و مستی عرفانی در شطحیات و ترک خود، قلندریات، دین‌داری، مقام انسان، توجیه شطحیات، تسامح دینی، فنا، تمایلات ملامتی، شوق، مذهب عاشق، والایی معشوق، مقامات بلند عرفانی، فقر عرفانی، دوری از تقلید، سختی‌های عشق، وقت، عشق عرفانی، نفس کلی، مستی عشق، مقام عشق و طلب عشق در عیبه‌العاشقین.

از نویسندگان عارف قرن هفتم، مؤلف مرصادالعباد برای بیان زمینه‌های معنایی زیر به سروده‌های سنایی استشهداد کرده‌است: توحید، شطح، اخلاق اجتماعی، زهد، انتقاد اجتماعی، مقام انسان، ستایش معشوق، لوازم کمال، آخرت‌گرایی و نظام احسن. همین نویسنده در مرموزات اسدی نیز به مضامینی نظیر زهد، آخرت‌گرایی، ستایش معشوق، توجه به لوازم کمال، مضامین توحیدی، عشق عرفانی و انتقاد اجتماعی توجه داشته است. برخی دیگر از نویسندگان نیز در سطح محدودتری از شعر سنایی استفاده کرده‌اند، مثل مؤلف کشف‌الحقایق (برای بیان مقام انسان و فنا) و ترمذی در معارف (برای بیان فنا، ترک نفاق، مذهب عاشقی و اهمیت معنای قرآن).

علاوه بر این‌ها، سروده‌های سنایی به نوشتارهای سه چهره شاخص قرن هفتم راه یافت؛ نخست، مقالات شمس، که عمدتاً در زمینه‌هایی معنایی انتقاد اجتماعی، قلندریات، دین‌داری، عاقبت‌اندیشی، صبر، ستایش معشوق، تجرید و عنایت حق به اشعار سنایی استشهداد جسته و دیگری، جلال‌الدین بلخی که در زمینه‌های متنوعی از اشعار سنایی بهره برده‌است: ترک دنیا، انتقاد اجتماعی، مستی عرفانی، ستایش معشوق، مقام انسان، ترک منیت، شوخ‌چشمی معشوق و مضامین قلندری (در مکتوبات)، مضامین توحیدی، قلندری، حال عاشق، وصف و ستایش معشوق، مناعت معشوق، تسامح شرعی،

سختی‌های عشق، انتقاد اجتماعی، آخرت‌گرایی، ترک منیت، سلوک طریق، شریعت، غم عشق، تواضع عاشق، وصف، مقام بلند عرفا، مذهب عاشق، ترک دنیا، فنا، وصال، کشف و شهود، مقام انسان و ترک لذت‌ها (در مجالس سبعه)، ترک جسم، خردگرایی، کسب فضیلت، امتحان الهی، باطن دین و ترک مال و منال دنیوی (در فیه ما فیه) و سه دیگر، بهاء ولد که در معارف، برای بیان مضامینی نظیر فنا، عبور از ظاهر شریعت، نظام احسن، عشق عرفانی و انتقاد به شعر سنایی روی آورده‌است.

نویسندگان قرن هشتم نیز برای بیان پاره‌ای ایده‌های‌شان به شعر سنایی روی آورده‌اند: مصباح‌الهدایه (توفیق حق و توکل)، مرآت‌المحققین و اوراد‌الاحباب (ترک نفاق)، مناقب‌العارفین (ترک هوا، بندگی، ایمان به شریعت، مناعت طبع معشوق، تجرید، مذمت غرور عالمانه، بی‌توجهی به ظاهر و وجه تربیتی شعر)، نزهة‌الارواح (ترک منیت)، العروة لاهل‌الخلوة (مضامین اخلاقی)، مصنفات سمنانی (مقام انسان، فنا، توحید و دین‌داری عرفانی) و صفوة‌الصفاف (فنا).

همین وضعیت، کم و بیش، در قرن نهم نیز مشاهده می‌شود. از چهار اثر عرفانی‌ای که در این سده به شعر سنایی توجه کرده‌اند، رسائل شاه نعمه‌الله ولی به زمینه‌هایی نظیر نقش توفیق و پاکی روح در معرفت، اهمیت تجرید در شناخت قرآن و انتقاد از سوء استفاده از دین نظر داشته است؛ اشعة‌اللمعات به مضامینی نظیر بندگی عشق، ترک صورت، تجلی، تلاش در طریقت، عمومیت لطف حق، تفاوت تجلی با حلول، ترک منیت، نظام احسن، فنا و توفیق حق توجه کرده‌است؛ صاحب ینبوع‌الاسرار برای بیان مضامینی نظیر ترک منیت، اخلاق فردی و اجتماعی و معرفت‌الله به شعر سنایی توسل جسته‌است و سرانجام نظر مؤلف جواهر‌الاسرار به زمینه‌های معنایی توحیدی، عبور از ظاهر شریعت و انتقاد اجتماعی معطوف بوده‌است.

اکنون می‌توانیم یک گام پیش‌تر برویم. زمینه‌های معنایی را که نویسندگان عارف برای بیان آن‌ها از شعر سنایی استفاده کرده‌اند، در چند محور اصلی خلاصه کنیم: شطحیات، تسامح دینی، حالات و مقامات عرفانی، عشق عرفانی، زهد، مضامین توحیدی، مضامین قلندری - ملامتی، اخلاق و انتقاد اجتماعی، آخرت‌گرایی، شریعت و نظام احسن. درست است که نسبت استفاده از این‌ها یک‌سان نیست اما می‌توان گفت در ذهنیت نویسندگان عارف، هویت معنایی شعر سنایی را همین محورها تشکیل می‌دهد. به نمودار زیر توجه کنید:



نمودار شماره ۱

این محورها در طول چهار صد و پنجاه سال چندان از یکدیگر متمایز نیست که بتوان گفت در هر قرنی محور یا محورهای خاصی بیشتر مورد توجه عارفان بوده است. بر روی هم، این قدر معلوم است که نویسندگان عارف در مواجهه با شعر سنایی چنین دریافتی از شعر وی داشته‌اند.

۲-۳-۲. کتب تاریخی

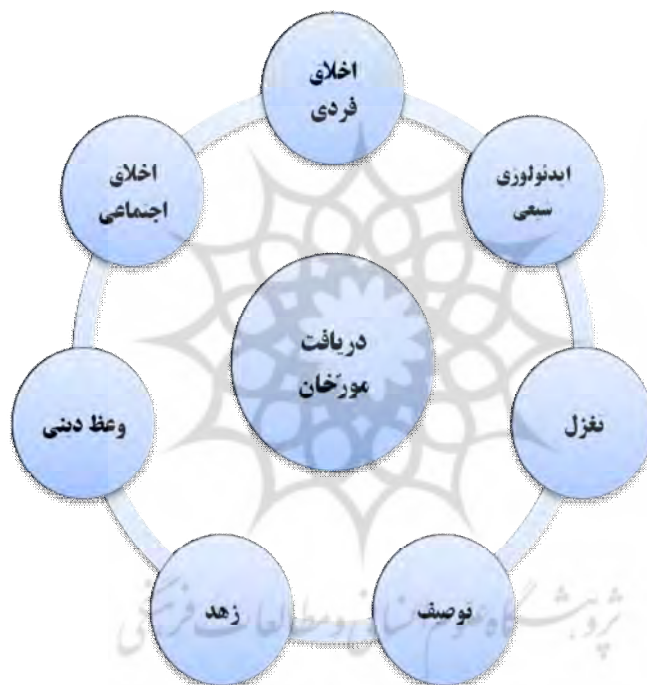
در بیست و چهار اثر تاریخی، سیصد و هشتاد و شش بار به سروده‌های سنایی ارجاع داده شده است. از جمله کتاب‌های تاریخی قرن ششم، نویسندگان تاریخ‌الوزراء، عقدالعلی للموقف‌الاعلی، راحة‌الصدور، تاج‌المآثر برای بیان منظور خود دست به دامان شعر سنایی شده‌اند. در قرن هفتم، تعداد کتاب‌های تاریخی افزایش یافته اما آیات مورد استشهاد چند درصد کاهش یافته است: تاریخ طبرستان، تاریخ جهانگشا، طبقات ناصری، تاریخ شاهی، زبدة‌التواریخ، جامع‌التواریخ و نفثة‌المصدر. همین وضعیت در قرن هشتم نیز ادامه پیدا می‌کند؛ یعنی تعداد آثار زیاده‌تر شده اما تعداد آیات به‌طرز چشم‌گیری کاهش پیدا کرده است: سمط‌العلی، تاریخ بناکتی، المعجم فی آثار ملوک‌العجم، تاریخ‌نامه هرات، تاریخ سلاجقه، تجارب‌السلف، مجمع‌الانساب، مواهب‌الهی، تاریخ‌گزیده و ظفرنامه. تعداد آثاری که در قرن نهم و دهم به سروده‌های سنایی توجه کرده‌اند، برابر و از سده‌های پیشین کمتر است.

منتخب‌التواریخ معینی، زبدة‌التواریخ حافظ ابرو، مطلع سعدین، روضات‌الجنات و روضة‌الصفاء از آثار تاریخی قرن نهم و حبیب‌السیر، تاریخ نگارستان، تاریخ جهان‌آرا، احسن‌التواریخ و خلاصة‌التواریخ در قرن دهم، سروده‌های سنایی را به کار گرفته‌اند.

برخی زمینه‌های عاطفی - معنایی، که مورخان در استفاده از شعر سنایی مد نظر داشته‌اند، کم و بیش در آثار همه مورخان دیده می‌شود؛ مثل زمینه معنایی اخلاق. موضوعات وعظی و تعالیم دینی نیز، نه به اندازه مورد پیشین، اما توجه بیشتر مورخان را به خود جلب کرده‌است. برای مثال در عقد‌العلی، تاریخ شاهی، نفثة‌المصدور، المعجم فی آثار الملوک العجم، ظفرنامه، زبدة‌التواریخ حافظ ابرو، روضة‌الصفاء از شعر سنایی در این زمینه معنایی استفاده شده‌است. زهد و دنیاگریزی نیز زمینه دیگری است که جلوه‌های آن را در تاج‌المآثر، تاریخ طبرستان، تاریخ جهانگشا، تاریخ سلاجقه، ظفرنامه، مطلع سعدین، روضات‌الجنات، روضة‌الصفاء می‌توان پیدا کرد. استفاده از سروده‌های سنایی در زمینه معنایی مدح در آثار تاریخی قرن ششم (تاریخ‌الوزراء، راحة‌الصدور)، قرن هفتم (تاریخ جهانگشا، طبقات ناصری، تاریخ شاهی و جامع‌التواریخ)، قرن هشتم (سمط‌العلی، مواهب‌الهی، تاریخ‌نامه هرات و ظفرنامه)، قرن نهم (مطلع سعدین، روضة‌الصفاء) و قرن دهم (تاریخ نگارستان، تاریخ جهان‌آرا) مشاهده می‌شود. گاهی نیز مورخان از ابیات سنایی برای توصیف بهره گرفته‌اند؛ تاریخ جهانگشا، تاریخ شاهی، نفثة‌المصدور، تاریخ سلاجقه و روضة‌الصفاء از این جمله‌اند. برخی زمینه‌های معنایی نیز کمتر مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال مؤلف تاج‌المآثر برای تفاخر، صاحب خلاصة‌التواریخ و تاریخ گزیده در زمینه غنایی و تغزلی، نویسنده تاریخ سلاجقه در روایت‌های داستانی، صاحب مواهب‌الهی در موضوع اعتماد نکردن به روزگار از شعر سنایی بهره گرفته‌اند. استفاده از سروده‌های مذهبی سنایی برای تأیید ایدئولوژی شیعی نیز در حبیب‌السیر به‌طور خاص و در تاریخ نگارستان و زبدة‌التواریخ حافظ ابرو در حد کمتری مشاهده می‌شود. این مورد اخیر، درست در جهت خلاف نظر سنایی است. چون وی در حدیقه سعی دارد با تأکید بر نکات مشترک بین مذاهب اسلامی، اختلافات را به حداقل برساند، در حالی که نویسندگان مذکور از همان سروده‌ها برای تبلیغ یک ایدئولوژی خاص بهره گرفته‌اند. این که چنین اتفاقی در قرن دهم افتاده، از جهت تاریخ اندیشه توجیه‌پذیر است. نیز مضامین معرفتی و توحیدی شعر سنایی در آثاری مانند تاج‌المآثر، تاریخ جهانگشا و ظفرنامه به چشم می‌خورد.

چنان که در مورد آثار عرفانی دیدیم، محورهای معنایی را که مورخان در اشعار سنایی دیده‌اند، نیز می‌توان در چند مورد اصلی خلاصه کرد. این موارد، تا آن جا که به نظر تاریخ‌نگاران رسیده‌است، در واقع

آفاق معنایی شعر سنایی را نشان می‌دهد: اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی، وعظ دینی، زهد، تغزل، ایدئولوژی شیعی، توصیف. این چند محور نشان می‌دهد که تاریخ‌نگاران ابعادی از شعر سنایی را کشف کرده‌اند و تصویری از شعر سنایی در ذهن دارند که با تصویر ذهنی نویسندگان عارف لزوماً هم‌سویی ندارد و در پاره‌ای موارد، کاملاً متفاوت است. باید بگوییم هر کدام از دو گروه تأویلی از شعر سنایی در ذهن دارند که با یک‌دیگر متناقض یا متضاد نیست؛ بلکه مکمل است. هر تصور ذهنی، بخشی از حافظه تاریخی مخاطبان شعر سنایی را نشان می‌دهد و با کنار هم گذاشتن این قطعات می‌توان به صورتی نهایی دست پیدا کرد که شعر سنایی در تاریخ ادبی ایران از خود به جای گذاشته است. به نمودار زیر توجه کنید:



نمودار شماره ۲

۲-۳-۳. منابع زندگی‌نامه‌ای

این گروه هشت اثر را شامل می‌شود که مجموعاً چهل و پنج بیت سنایی را به کار گرفته‌اند. نخستین این آثار فضایل بلخ است که در سده هفتم تألیف شده و سه بیت از سنایی را با تأکید بر دو مضمون نکوهش دنیا و اخلاق به کار گرفته است. در قرن هشتم تنها فردوس‌المرشدیه در مضمون انتقاد از دین‌داران به شعر سنایی استشهاد جسته است. زندگی‌نامه‌نویسان قرن نهم به سنایی اقبال بیشتری نشان داده‌اند. به‌طور خاص باید از مؤلف تذکره‌الشعرا یاد کنیم که بیست و پنج بیت سنایی را در اثرش

آورده‌است، آن هم در زمینه‌های معنایی از قبیل دنیاگریزی، دین‌داری عرفانی، مضامین توحیدی، قلندریات، مقام انسان، روایت‌های داستانی، اخلاق فردی و اجتماعی، انتقاد از شاعران، زهد و مدح. در همین قرن نهم، دو اثر دیگر هم تألیف شده که نخستین آن‌ها احوال و سخنان خواجه عییدالله احرار است و دیگری نفعات‌الانس. با توجه به نزدیکی افق فکری و نیز هم‌ولایتی بودن جامی با سنایی، انتظار می‌رفت، وی در سطح گسترده‌تری از شعر او استفاده کند. دین‌داری عرفانی و مضامین توحیدی، دو زمینه معنایی است که این دو نویسنده در استفاده از اشعار سنایی بدان توجه داشته‌اند. از منابع زندگی‌نامه‌ای قرن دهم، خلاصه‌الاشعار، تذکره شاه طهماسب و ریاض‌الافکار اقبالی به سروده‌های سنایی داشته‌اند. اولی بیشتر به زمینه‌های معنایی توحیدی، اخلاق اجتماعی و تغزلی توجه داشته و دومی به اخلاق اجتماعی و سومی به انتقاد اجتماعی. چنان‌که ملاحظه می‌شود اقبال عمومی این گروه از نوشتارها به سروده‌های سنایی چندان زیاد نیست. در عین حال، زمینه‌های معنایی مورد نظر این گروه نیز در تکمیل تصویر تاریخی شعر سنایی جایگاه خاصی دارد:

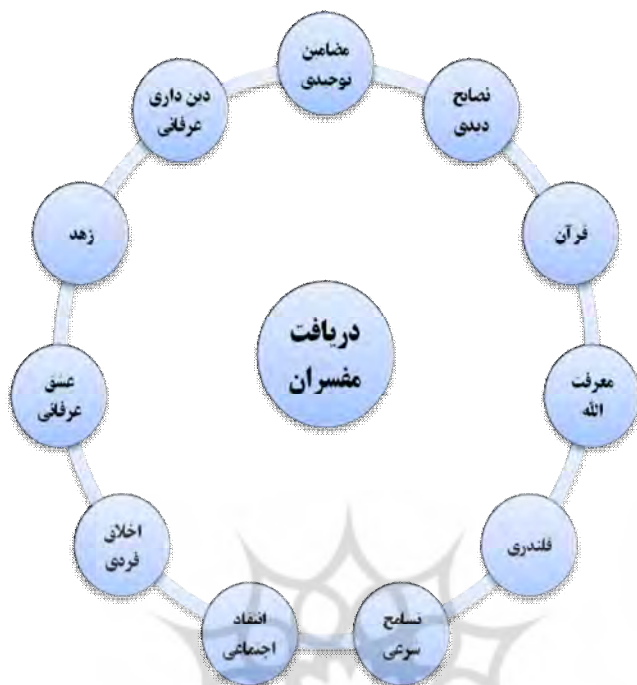


نمودار شماره ۳

به رغم محدود بودن تعداد ارجاعات و آثاری که در این گروه قرار می‌گیرند، تنوع زمینه‌هایی معنایی که در آن‌ها مطرح شده، قابل توجه است. مضافاً این که برخی مضامین مثل مدح که در ذهنیت گروه‌های پیشین جایی نداشت، این‌جا دیده می‌شود؛ مضمونی که بیانگر بخشی دیگر از هویت معنایی شعر سنایی در حافظه تاریخی فارسی‌زبانان است.

۲-۳-۴. آثار تفسیری

اشعار سنایی به مجموعه‌ی نوشتارهای تفسیری هم راه یافته است. در هشت اثر مورد بررسی ما، چهارصد و هجده بار به اشعار سنایی استشهد شده که از آن میان، کشف‌الاسرار با سی صد و بیست بار و حدائق‌الحقایق با یک بار در بالاترین و پایین‌ترین مرتبه قرار دارند. کتاب میبدی، نه تنها از جهت تعداد ابیات؛ بلکه از نظر تنوع زمینه‌های موضوعی هم با دیگر آثار این گروه قابل مقایسه نیست. مضامین توحیدی، دین‌داری عرفانی، دنیاگریزی، فنا، معشوق عرفانی، صبر، انتقاد از دین‌داران، وصال، عشق عرفانی، اخلاق، عبور از ظاهر شریعت، فقر عرفانی، قلندریات، ترک ظواهر، سلوک عرفانی، قرآن، مقام انسان و نکوهش مال و ثروت از جمله این زمینه‌هاست. در آثار متعلق به قرن هشتم، تنها مصابیح‌القلوب هست که برای بیان منظور خود چهارده بار به شعر سنایی استشهد کرده بود. مضامین دینی، عرفانی و عشق، سه زمینه اصلی هستند که مؤلف از ابیات سنایی برای بیان آن‌ها بهره گرفته است. به حیث تعداد، بیشترین آثار این گروه در قرن نهم تألیف شده‌اند. جواهرالتفسیر در سروده‌های سنایی مضامین توحیدی، عشق عرفانی، قرآن و دین را دیده است؛ مواهب علیه نیز مضامین توحیدی، ترک دنیا، ترک گناه، یاد مرگ، عقل، شریعت و اخلاق اجتماعی را در آیینۀ آثار سنایی جستجو کرده است. مؤلف بیان‌الحقایق بر مضمون انتقاد از دین‌داران، اخلاق فردی، ترک منیت و توحید تأکید داشته و در لطایف‌الحقایق زمینه‌های معنایی زیر مورد نظر بوده است: ترک انانیت، عبور از ظاهر شریعت، تمنای وصال، فنا، توحید، اخلاق فردی. نویسنده‌ی اسئله و اجوبه نیز با سی و چهار ارجاع به شعر سنایی، در ردیف نویسنده‌گانی قرار می‌گیرد که توجه جدی به شعر وی داشته‌اند و مضامین مورد نظر او نیز غالباً همان‌هاست که در اثر قبلی دیدیم: فنا، اخلاق، ترک دنیا، توحید، دین، محورهای اصلی که مورد نظر این گروه از نویسندگان بوده را در نمودار زیر نشان داده شده است:



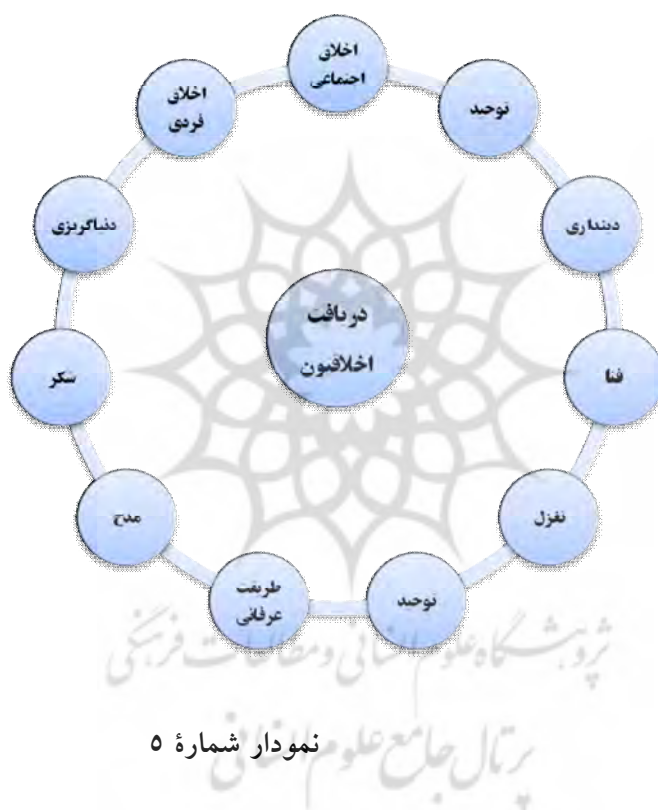
نمودار شماره ۴

۲-۳-۵. کتب سیاست مدن و اخلاق اجتماعی

به شهادت آثار فارسی، اخلاق اجتماعی در ذهنیت فکری - فرهنگی کلاسیک‌ها بسیار کم‌اهمیت‌تر از اخلاق فردی بوده‌است و در این میان، حدیقه سنایی از مهم‌ترین منظومه‌های کلاسیک است که به این موضوع توجه دارد. در دوره مورد بررسی ما، تعداد آثاری که با موضوع اخلاق اجتماعی نوشته شده باشند، از انگشتان دو دست در نمی‌گذرند و با این همه، شعر سنایی به همین تعداد اندک هم راه یافته است. نیز نباید فراموش کرد که موضوع مذکور در لابه‌لای نوشتارهای گروه‌های دیگر هم مطرح شده و چنان‌که دیدیم، بسیاری از نویسندگان برای بیان مضامینی که به حوزه اخلاق اجتماعی مربوط می‌شود، از شعر سنایی بهره گرفته‌اند. این بدان معناست که شعر سنایی دارای قابلیت اخلاقی - اجتماعی قابل توجهی است.

در این موضوع، هفت اثر را شناسایی کردیم که مجموعاً پنجاه و هفت بار از شعر سنایی استفاده کرده بودند: اغراض السیاسة، تحفة الملوک، ذخیره الملوک، اخلاق ناصری، اخلاق الاشراف، دستورالجمهور و آداب‌الحرب و الشجاعة. زمینه معنایی اخلاق فردی و اجتماعی در همه آثار، کم و

بیش، مطرح شده‌است. از این گذشته، مضامینی نظیر دنیاگریزی (اغراض‌السیاسة)، انتقاد اجتماعی (اغراض‌السیاسة و اخلاق‌الاشراف)، و شکر (اغراض‌السیاسة) مورد نظر نویسندگان این گروه بوده است. دستورالجمهور در این میان بیشتر از دیگران به ابیات سنایی استشهاد جسته‌است. مضامین مورد نظر وی عبارتند از: اخلاق اجتماعی، مدح، طریقت عرفانی، توحید، ترک خود، تغزل، فنا، دین‌داری. نمودار زیر محورهای اصلی مورد نظر این گروه از نوشتارها را پیش چشم می‌آورد:



۲-۳-۶. آثار ادبی - فنی

موضوع آثار این گروه اقتضا می‌کند که به جنبه‌های فنی، ادبی و زیبایی‌اشعار سنایی توجه کرده باشند. درست به همین علت است که بر خلاف گروه‌های قبلی، این گونه آثار معطوف به جنبه‌های زیبایی‌شناسانه شعر سنایی است. در فاصله قرن ششم تا دهم، پنج اثر از سروده‌های سنایی استفاده کرده بودند: المعجم فی معاییر اشعارالعجم و معیارالاشعار در قرن هفتم، صحاح‌الفرس در قرن هشتم،

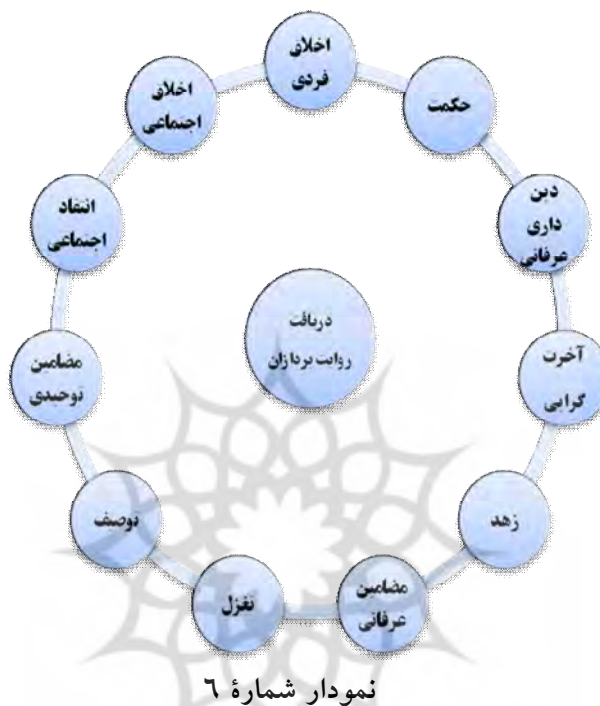
حقایق الحدائق در قرن هشتم و بدایع الافکار در قرن نهم. در همه موارد نیز توجه مؤلفان به جنبه‌های جمال‌شناسیک سخن سنایی معطوف بوده است، جز در صحاح الفرس که از منظر زبانی به شعر وی توجه داشته است.

۲-۳-۷. منابع روایی - داستانی

با این که ذهن ادبی سنایی، بیشتر از آن که روایت‌ساز باشد، تمثیل‌ساز است و بر خلاف عطار و مولوی در روایت‌پردازی چندان موفق نیست، اشعار او در منابع روایتی - داستانی حضور قابل توجهی دارد. در این گروه، نه اثر از شعر سنایی بهره گرفته‌اند که از آن میان چهار کتاب (کلیله و دمنه، روضة العقول، راحة الارواح و سندبادنامه) در قرن ششم، دو اثر (مرزبان‌نامه و جوامع‌الحکایات) در قرن هفتم، یک اثر (طوطی‌نامه) در قرن هشتم و سرانجام دو اثر (داراب‌نامه بیغمی و انوار سهیلی) در قرن نهم به رشته تحریر درآمده‌اند. اگر تعداد آثار و تعداد ارجاعات را ملاک قرار دهیم، در این گروه، بیشترین اقبال به شعر سنایی در قرن ششم بوده و کمترین توجه در قرن هشتم. قرن هفتم و قرن نهم به ترتیب در فاصله این دو نقطه قرار می‌گیرند. نیز در میان این آثار، کلیله و دمنه با پنجاه و دو بار ارجاع و راحة الارواح با چهار بار ارجاع، در بالاترین و پایین‌ترین مرتبه و بقیه آثار در میان این دو نقطه قرار می‌گیرند.

زمینه‌های معنایی مورد نظر نویسندگان نیز خیلی شبیه گروه‌های دیگر است. مثلاً اخلاق فردی و اجتماعی کم و بیش در همه آثار دیده می‌شود، یا مضامین توحیدی در روضة العقول، سندبادنامه، جوامع‌الحکایات و داراب‌نامه بیغمی آمده است؛ چنان که استفاده از شعر سنایی در زمینه معنایی توصیف، در کلیله و دمنه، سندبادنامه، جوامع‌الحکایات و داراب‌نامه بیغمی مشاهده می‌شود یا زمینه عاطفی - معنایی تغزل در راحة الارواح، سندبادنامه، جوامع‌الحکایات، طوطی‌نامه و انوار سهیلی مد نظر مؤلفان بوده است. برخی مضامین عرفانی مثل قناعت (کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه)، نکوهش تن و منویات نفسانی (روضه العقول، مرزبان‌نامه و طوطی‌نامه)، شکر و عزلت (سندبادنامه و طوطی‌نامه)، فنا (مرزبان‌نامه)، نکوهش دنیا و آخرت‌گرایی (کلیله و دمنه و انوار سهیلی)، توکل (طوطی‌نامه) و دین‌داری عرفانی (سندبادنامه) آمده است. اندیشه‌های حکیمانه (مرزبان‌نامه و طوطی‌نامه)، نکوهش غفلت و شکوه از بی‌وفایی روزگار (کلیله و دمنه)، تلاش و کوشش (مرزبان‌نامه) و نکوهش کاهلی، انتقاد اجتماعی و مکارم اخلاق (جوامع‌الحکایات) با استفاده از سروده‌های سنایی مطرح شده است.

بدین ترتیب می‌توان محورهای اصلی مطرح شده در این گروه از آثار را در چند مورد خلاصه کرد:

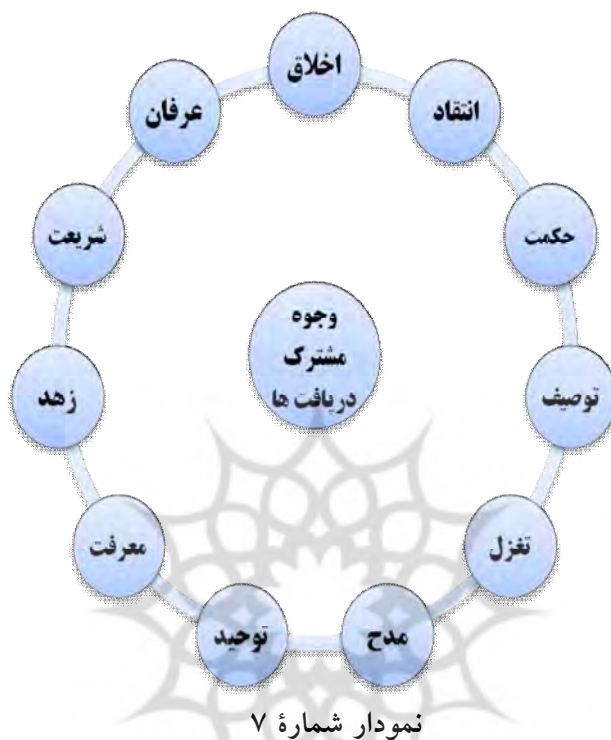


۲-۳-۸. نوشته‌های ترسلی

آخرین گروه، کتاب‌های مربوط به ترسل هستند که البته از جهت تعداد اثر و ارجاع، در پایین‌ترین سطح قرار دارند: سه اثر با نه بار ارجاع. از این میان، التوسل الی‌الترسل عمدتاً به توصیف، انتقاد اجتماعی، اخلاق اجتماعی و مذمت دنیا توجه داشته و منشآت میدی و نامه‌های وطواط به مفهوم حکمت پرداخته‌اند.

اکنون که وضعیت هر کدام از گروه‌های هشت‌گانه در مواجهه با آثار سنایی معلوم شد، در گام بعدی می‌توانیم با مشخص کردن محورهای معنایی مشترک میان همه یا اکثر گروه‌ها، به تصویر کلی که شعر سنایی در ذهنیت نویسندگان آثار مشهور قرن ششم تا دهم داشته، نزدیک‌تر شویم. ممکن است

با پیدا شدن آثار دیگر، تغییراتی جزئی در نمودارهای ما ایجاد شود؛ اما تغییر اساسی در نتایج کلی بعید به نظر می‌رسد. به نمودار زیر توجه کنید:



در تحلیل این نمودار نکات زیر به ذهن می‌رسد:

- این نمودار بیانگر دریافت و تفسیری است که مخاطبان سنایی در طول تاریخ از اشعار وی داشته‌اند. تنوع اضلاع نمودار، نشان‌دهنده وسعت اندیشه شعری وی و قابلیت برقراری رابطه با طیف‌های متنوع مخاطبان است.
- اخلاق، عرفان، انتقاد اجتماعی، دین و زهد پنج محوری هستند که در نظر اکثر قریب به اتفاق مخاطبان سنایی بخشی از هویت معنایی شعر وی را شکل می‌دهند و به همین دلیل آن‌ها هم به این محورها بیشتر نظر داشته‌اند.
- تفاوت گروه‌های مختلف فکری در تفسیر و دریافت از اشعار سنایی متناقض نیست و مشترکات زیادی دارد. این بدان معناست که دریافت از و تفسیر شعر سنایی در طول تاریخ و در میان طیف‌های

متنوع خوانندگان آثارش، چندان تغییر نکرده است و او در ذهنیت مخاطبان خود در طول چهار صد و پنجاه سال تصویری نسبتاً پایدار داشته است.

- این محورها، در عین حال که ناظر است بر تفسیر تاریخی خوانندگان از اشعار سنایی، وجوه مختلف اندیشه شعری وی را نیز نشان می‌دهد. یعنی ما می‌توانیم از طریق دریافت تاریخی خوانندگان، ابعاد اندیشه شعری وی را نیز مشخص کنیم. شریعت، طریقت، تغزل، توصیف، مدح و انتقاد شش مفهومی هستند که در کنار یکدیگر هویت معنایی شعر وی را می‌سازند.

- محورهای معنایی فوق در همه آثار سنایی منتشر است و این بدان معناست که همه یا اکثر اندیشه‌های او مخاطب داشته‌است.

۲-۴. رویکرد آماری

در این بخش، با رویکردی آماری به تحلیل داده‌ها می‌پردازیم. جدول زیر فراوانی آثار مشوری را که از شعر سنایی بهره گرفته‌اند، نشان می‌دهد:

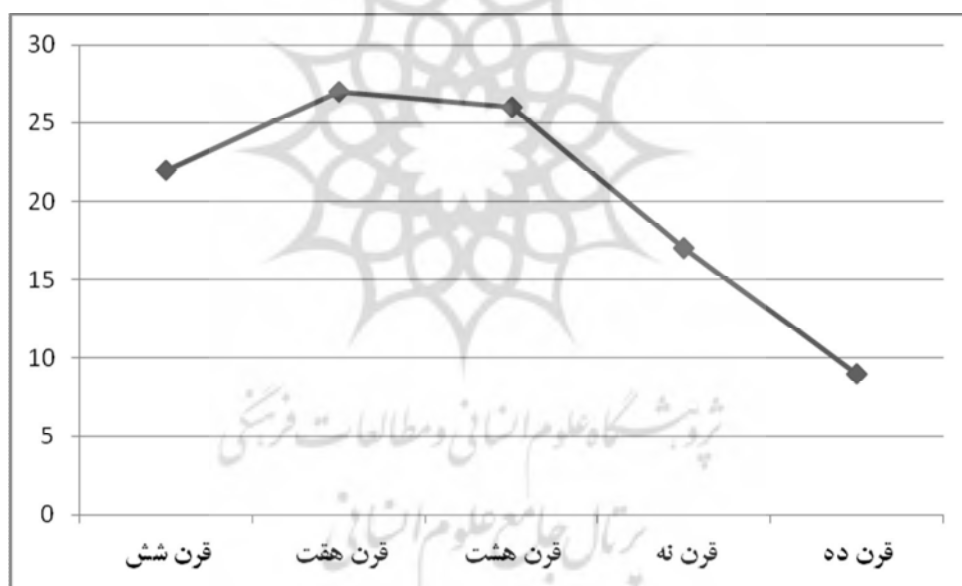
ردیف	موضوع		تاریخی	عرفانی	زندگی‌نامه‌ای	سیاست مدن و اخلاق اجتماعی	روایتی - داستانی	تفسیری	فنون ادبی و لغت	ترسلی	جمع آثار
	زمان	موضوع									
۱	قرن ششم	۴	۱۰	—	۱	۴	۱	—	۲	۲۲	
۲	قرن هفتم	۶	۱۰	۱	۴	۲	۴	۲	—	۲۷	
۳	قرن هشتم	۱۰	۸	۱	۳	۱	۱	۲	—	۲۶	
۴	قرن نهم	۵	۴	۳	—	۲	۳	۱	—	۱۸	
۵	قرن دهم	۵	—	۳	—	—	—	—	—	۹	
۶	جمع آثار	۳۰	۳۲	۸	۷	۹	۸	۵	۳	۱۰۲	

جدول شماره ۱

در تحلیل داده‌های این جدول نکات زیر به ذهن متبادر می‌شود:

- در محدوده زمانی حدود چهار صد و پنجاه سال، شعر سنایی به یک‌صد و دو اثر منشور راه یافته است: به‌طور متوسط در هر قرن، بیست و دو اثر. هر گاه مجموعه آثار شعری این دوره نیز بررسی شوند، آمار فوق افزایش چشمگیری خواهد یافت. این آمار، دلایل کافی را برای اثبات حضور سنایی در حافظه تاریخی فارسی‌زبانان در اختیار محقق قرار می‌دهد؛ بخصوص که بدانیم آثار فوق در موضوع‌های متفاوتی نوشته شده‌اند.

- حضور شعر سنایی در آثار منشور از قرن ششم تا هشتم گسترده است؛ اما در دو قرن نه و ده فروکش کرده است. علت این امر، ظهور چهره‌های درخشانی مثل عطار، مولانا، حافظ، سعدی و سایر چهره‌های شاخصی است که هر کدام در حوزه کاری خودشان نقطه عطف هستند.



نمودار شماره ۸

- بیشترین توجه به آثار سنایی در گروه نوشتارهای تاریخی و عرفانی است. اقبال عرفا به آثار سنایی توجه منطقی دارد؛ اما دلیل این که چرا مورخان در این سطح به سروده‌های وی استناد جسته‌اند، برای ما روشن نیست؛ بخصوص که در قرن دهم مورخان بر عارفان پیشی می‌گیرند. ناگفته نماند نهضت استنساخ در قرن دهم آثار سنایی را در بین گروه دیگری از مخاطبان تاریخی وی برجسته کرده است. تعداد نسخه‌های خطی آثار سنایی در قرن دهم با پیش از آن قابل مقایسه نیست.

- توجه نویسندگان متون تفسیری به سروده‌های سنایی در سده نهم بیشتر می‌شود. علت این امر بدرستی بر ما معلوم نیست. آیا ایدئولوژی مفسران قرن نهم به نظام فکری سنایی نزدیک‌تر بوده است؟ با تغییر مبنا، می‌توان تحلیل‌های دیگری هم ارائه داد. اگر تعداد ارجاعات به شعر سنایی را اساس قرار دهیم، حاصل کار چیزی است که در جدول زیر مشاهده می‌کنید

ردیف	موضوع زمان	تاریخی	عرفانی	زندگی نامه‌ای	سیاست مدن و اخلاق اجتماعی	روایتی داستانی	تفسیری	فنون ادبی و لغت	ترسلی	تعداد ارجاع
۲	قرن هفت	۱۰۶	۲۲۲	۳	۲	۴۳	۶۵	۳۶	—	۴۷۷
۳	قرن هشت	۸۷	۴۱	۳	۶	۱۸	۱۴	۱۵	—	۱۸۴
۴	قرن نه	۳۹	۲۴	۳۱	۲	۳۲	۸۰	۳	—	۲۱۱
۵	قرن ده	۶۳	—	۸	—	—	—	—	۱	۷۲
۶	جمع	۴۱۲	۳۸۹	۴۵	۳۰	۱۹۲	۴۷۹	۵۴	۹	۱۶۱۰

جدول شماره ۲

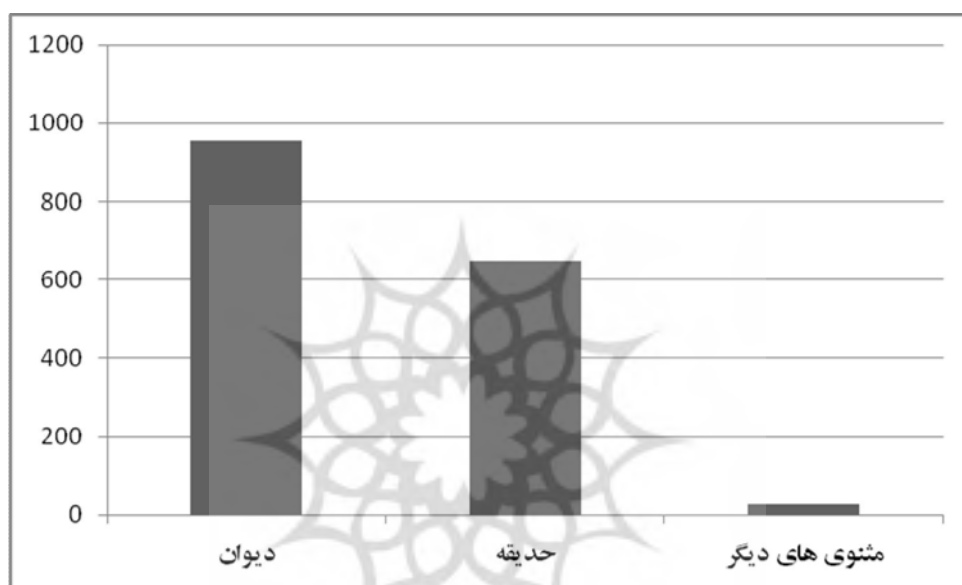
در تحلیل این جدول نکات زیر به ذهن می‌رسد:

- در جدول پیشین دیدیم که تعداد آثار تفسیری که از شعر سنایی استفاده کرده‌اند، بسیار کمتر از دیگر گروه‌ها است؛ اما مطابق با جدول اخیر، بالاترین تعداد ارجاعات به شعر سنایی متعلق به همین گروه است. منتها باید در نظر داشت که از این چهارصد و هفتاد و دو مورد، سی صد و بیست ارجاع فقط مربوط به یک اثر (کشف الاسرار) است. این میزان ارجاع در یک اثر، توجه‌کننده تفاوت درصد دو جدول فوق است.

- پس از آن، نوبت به نوشتارهای تاریخی می‌رسد. عجیب است که تعداد ارجاع در آثار تاریخی حتی از آثار عرفانی هم بیشتر است. در جدول پیشین دیدیم که این گروه در ردیف دوم قرار دارد. این بدان معناست که در مجموع، مورخان بیشترین توجه را به شعر سنایی داشته‌اند.

- مرتبه سوم از جهت تعداد ارجاعات، متعلق است به گروه آثار عرفانی. تفاوت میزان ارجاعات این سه گروه از نوشتارها با دیگر گروه‌ها آن قدر زیاد هست که برای آن‌ها حساب جداگانه‌ای باز کنیم و

بگوییم نویسندگان این سه گروه رابطه بیشتری با شعر سنایی برقرار کرده‌اند. پرسش‌های دیگری هم هست که به زبان آمار می‌توان برای آن‌ها پاسخ روشنی ارائه داد: در این چهار قرن و نیم، کدام اثر سنایی بیشتر مورد توجه بوده‌است؟ و آیا می‌توان میان هر یک از آثار سنایی با گروه خاصی از نویسندگان نسبتی معنادار یافت؟ نمودار زیر به پرسش نخستین پاسخ می‌دهد:

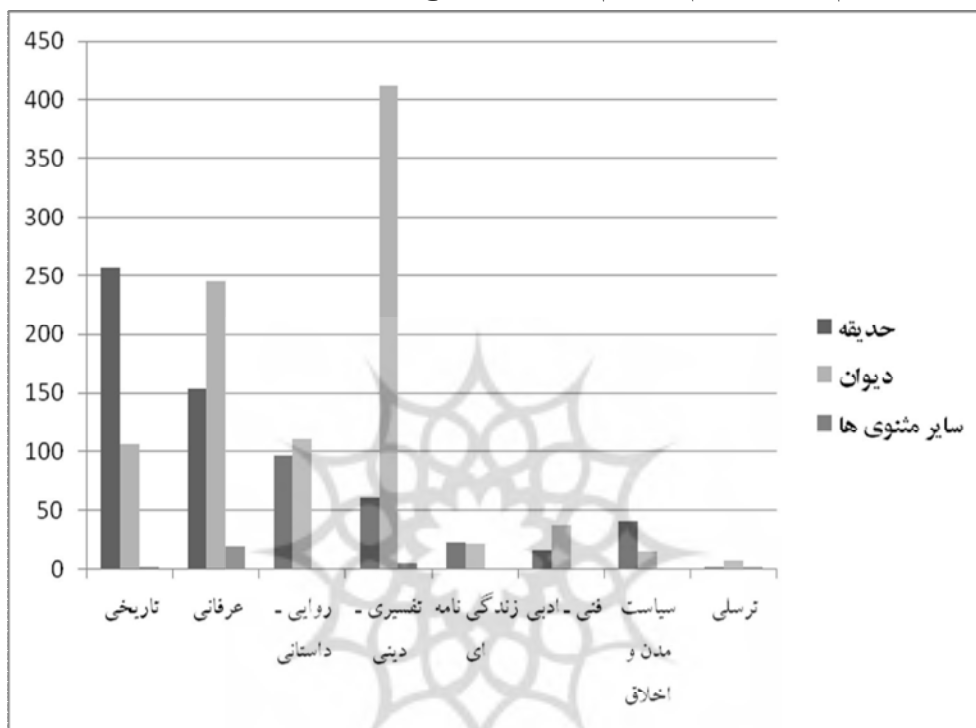


نمودار شماره ۹

ملاحظه می‌کنید که در مجموع، دیوان سنایی بیشتر مورد توجه خوانندگان بوده‌است تا مثنوی حدیقه. علت این امر را باید در خشک و خشن بودن زبان حدیقه و نیز غلبه صبه کلامی و کمتر عرفانی این اثر گران‌قدر دانست. مخاطبان حدیقه در درجه اول، طبقه روشن و فرهیختگان هستند که با گفتارهای توحیدی و دیگر تعالیم عقیدتی وی ارتباط برقرار می‌کنند و بعد، توده‌هایی که مخاطب گزاره‌های «عمل‌گرای» وی هستند. بخش اخیر اشعار حدیقه بیشتر بر منابر خوانده می‌شده‌است و بنابراین، جزء سنت شفاهی است؛ سنتی که برای ارزیابی میزان نفوذ سنایی در آن، سنجای و اطلاعات دقیقی در اختیار نداریم. دیوان، از چند جهت می‌توانسته بیشتر مورد توجه مخاطبان سنایی قرار گیرد: نخست زبان نرم و آهنگین، همراه با تصاویر بکر و مؤثر و دیگر، تنوع موضوعی دیوان که از موضوعات عرفانی و معرفتی و توحیدی آغاز می‌شود و به مدح، انتقاد، تغزل، عرفان عاشقانه و موضوعات دیگر می‌رسد. با این همه، تنوع قالب‌های ادبی موجود در دیوان را نیز نباید از یاد برد؛

قالب‌هایی که می‌تواند مخاطبان خود را در میان طیف‌های مختلف و ذوق‌های متفاوت پیدا کند؛ امکاناتی که در حدیقه فراهم نیست.

اکنون می‌توانیم به پرسش دوم پردازیم. نمودار زیر پاسخ دیداری را به ما می‌دهد:



نمودار شماره ۱۰

در تحلیل این نمودار نکات زیر به ذهن می‌رسد: در همه گروه‌ها غلبه با دیوان است، غیر از گروه نوشتارهای تاریخی و سیاسی - اخلاقی. در بررسی‌های پیشین هم دیدیم که منابع تاریخی از جمله سه گروهی هستند که بیشترین ارتباط را با آثار سنایی برقرار کرده‌اند. اکنون معلوم می‌شود که این ارتباط گسترده با حدیقه خیلی بیشتر بوده است. به نظر می‌رسد زبان خشک، تعلیمی و صریح حدیقه با منطق خبری و خشک متون تاریخی و اخلاقی - سیاسی تناسب بیشتری داشته است و به این جهت حدیقه بیشتر مورد توجه این گروه از آثار قرار گرفته است. رقابت دیوان و حدیقه در دو گروه منابع زندگی‌نامه‌ای و روایی - داستانی خیلی نزدیک است. در مورد منابع روایی می‌توانیم بگوییم، چون از حکایت‌های حدیقه استفاده کرده‌اند، طبیعتاً باید ارجاع به این اثر بیشتر از دیوان می‌بود؛ اما جاذبه دیوان چندان بوده که حتی در همین گروه از نوشتارها هم

چیزی از حدیقه کم نیاورده است که بماند، حتی بر آن پیشی هم گرفته است. هم سطح بودن نسبی میزان ارجاعات به حدیقه و دیوان در منابع زندگی‌نامه‌ای، نشان می‌دهد که سنایی در دل تذکره‌ها نه فقط به حدیقه یا دیوان؛ بلکه با هر دوی این‌ها شناخته می‌شده است.

- تفاوت ارجاع به حدیقه و دیوان در گروه نوشتارهای تفسیری به بالاترین سطح خود می‌رسد. با این حال، نباید از نظر دور داشت که در این مورد کشف الاسرار یک اثر برهم زنده تعادل است. در میان نوشتارهای این گروه، این تفسیر بتنهایی سی صد و بیست بار به آثار سنایی استشهد کرده و از آن میان، تنها دو مورد به غیر دیوان است. این بدان معناست که یک تفسیر و ذهنیت یک نویسنده، تعادل آمار را بر هم زده است و نمی‌توان آن را به همه مخاطبان تاریخی شعر سنایی تعمیم داد. بنابراین در مورد این گروه از آثار بالاتر بودن میزان ارجاعات به دیوان را می‌پذیریم اما نه با این اختلاف زیادی که در نمودار مشاهده می‌شود.

نتیجه

سنایی غزنوی به عنوان نخستین شاعر عارفی که مضامین عرفانی را به شکل گسترده وارد شعر فارسی کرد، در طول تاریخ توانسته مخاطبان خود را در میان طیف متنوع و گسترده‌ای از خوانندگان پیدا کند. بررسی‌های ما نشان می‌دهد قلمرو معنوی او حوزه جغرافیایی گسترده‌ای است، شامل فلات ایران، بخش‌هایی از شبه قاره هند و آسیای صغیر. از نظر تاریخی نیز، آثار وی از همان زمان حیاتش تا چهار صد سال بعد خوانندگان خود را داشته و طیف متنوعی از خوانندگان، از عارفان گرفته تا مورخان و زندگی‌نامه‌نویسان و علاقه‌مندان به مباحث اخلاقی تا مفسران قرآن و اصحاب ترسل و نویسندگان فنی - ادبی با آثار او ارتباط برقرار کرده‌اند. هر چند از سنایی چند مثنوی و مجموعه‌ای نامه بر جای مانده اما نام وی در دل تاریخ با دو اثر برجسته‌اش یعنی حدیقه و دیوان گره خورده است. مقبولیت این دو اثر در میان طیف وسیع خوانندگان کاملاً برابر نیست؛ اما تفاوت میزان ارجاع هم چندان نیست که بتوان یکی را بر دیگری به طور مطلق برتری داد. این قدر هست که در مجموع، مخاطبان آثار وی بیشتر با دیوان ارتباط برقرار کرده‌اند تا حدیقه. با توجه به تنوع موضوعی دیوان و نیز تنوع قالب‌ها و تکنیک‌های مورد استفاده و نیز قدرت بالای سنایی در قصیده، این امر طبیعی به نظر می‌رسد. این موضوع، در عین حال، قدرت حدیقه را نشان می‌دهد که با وجود زبان و موضوع خشک و وزن سنگینی که دارد و با وجود پایین بودن قدرت مانور سنایی در حدیقه نسبت به دیوان، مثنوی سترگ او توانسته با اثری چون دیوان رقابت کند.

منابع

- ۱- آقسرایبی، محمود بن محمد. (۱۳۶۲). تاریخ سلاجقه یا مسامرة الاخبار و مسایرة الاخيار. تصحیح عثمان توران. تهران: اساطیر. چاپ اول.
- ۲- احرار نقشبندی، عیدالله بن محمود. (۱۳۸۰). احوال و سخنان خواجه عیدالله احرار. میرعبدالاول نیشابوری (گردآورنده). تصحیح عارف نوشاهی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۳- اصفهانی، علی بن ابی حفص. (۱۳۸۲). تحفة الملوك. تصحیح علی اکبر احمدی دارانی. نشر میراث مکتوب.
- ۴- افلاکی عارفی، شمس الدین احمد. (۱۳۷۵). مناقب العارفين. تصحیح تحسین یازیجی. ۲جلدی. تهران: دنیای کتاب. چاپ سوم.
- ۵- باخرزی، ابوالمفاخر یحیی. (۱۳۵۸). اوراد الاحباب و فصوص الاداب. به کوشش ایرج افشار. ۲جلدی. تهران: انتشارات فرهنگ ایران زمین.
- ۶- بزّاز (ابن بزّاز اردبیلی)، توکل بن اسماعیل. (۱۳۷۳). صفوة الصّفا. تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. ناشر: مصحّح. چاپ اول.
- ۷- بغدادی، بهاءالدین محمد بن مؤید. (۱۳۸۵). التّوسّل الی التّوسّل. تصحیح احمد بهمینیار. تهران: اساطیر. چاپ اول.
- ۸- بقلی شیرازی، روزبهان. (۱۳۴۴). شرح شطحیات. به تصحیح و مقدمه هنری کرین. ترجمه عیسی سپهبدی. تهران: انستیتو ایران و فرانسه.
- ۹- ----- (۱۳۳۷). عبهرالعاشقین. تصحیح و مقدمه محمد معین. تهران: انستیتو ایران و فرانسه.
- ۱۰- بلخی، بهاءالدین محمد بن جلال الدین (سلطان ولد). (۱۳۶۷). المعارف. به کوشش نجیب مایل هروی. تهران: مولی.
- ۱۱- بناکتی، فخرالدین ابوسلیمان داود. (۱۳۴۸). تاریخ بناکتی. تصحیح جعفر شعار. تهران: انجمن آثار ملی.
- ۱۲- بیغمی، محمد بن احمد. (۱۳۸۱). داراب نامه. تصحیح ذبیح الله صفا. ۲جلد. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ دوم.

- ۱۳- بیهقی، ابوالفضل محمدبن حسین. (۱۳۸۸). **تاریخ بیهقی**. تصحیح محمدجعفر یاحقی، مهدی سیدی. ج ۱. تهران: علمی. چاپ اول.
- ۱۴- **تاریخ شاهی**. (۱۳۶۴).. تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۱۵- تبریزی شمس الدین محمد. (۱۳۶۹). **مقالات شمس تبریزی**. تصحیح محمدعلی موحد. تهران: خوارزمی.
- ۱۶- تبریزی، یارعلی. (۱۳۸۲). **ریاض الافکار در توصیف خزان و بهار**. تصحیح نصرالله پورجوادی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۷- ثغری، عماد بن محمد. (۱۳۵۲). **طوطی نامه (جواهر الاسمار)**. به اهتمام شمس الدین آل احمد. انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ۱۸- جام نامقی، احمد. (۱۳۸۹). **بحار الحقیقه**. به تصحیح حسن نصیری جامی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. چاپ اول.
- ۱۹- جامی، نورالدین عبدالرحمان. (۱۳۵۲). **اشعه اللمعات**. تصحیح حامد ربانی. تهران: گنجینه.
- ۲۰- ----- (۱۳۷۰). **نفحات الانس من حضرات القدس**. تصحیح محمود عابدی. تهران: اطلاعات. چاپ اول.
- ۲۱- جوزجانی، ابو عمر منهاج الدین عثمان بن سراج الدین. (۱۳۶۳). **طبقات ناصری**. تصحیح عبدالحی حبیبی. جلد ۲. انتشارات دنیای کتاب.
- ۲۲- جوینی، علاءالدین عظاملک بن بهاءالدین محمد بن محمد. (۱۳۸۵). **تاریخ جهانگشای**. تصحیح حبیب الله عباسی و ایرج مهرکی. ج ۱ و ۲. نشر زوار.
- ۲۳- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله. (۱۳۸۰). **زبدة التواریخ**. تصحیح کمال حاج سید جوادی. جلد ۲. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲۴- حسینی قزوینی، شرف الدین فضل الله. (۱۳۸۳). **المعجم فی آثار ملوک العجم**. به کوشش احمد فتوحی نسب. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. چاپ اول.
- ۲۵- خرقانی، احمد بن حسین. (۱۳۸۸). **دستورالجمهور فی مناقب سلطان العارفین ابویزید طیفور**. به تصحیح محمدتقی دانش پژوه و ایرج افشار. انتشارات میراث مکتوب.

- ۲۶- خوارزمی، کمال الدین حسین بن حسن. (۱۳۶۶). جواهر الاسرار و زواهر الانوار. تصحیح محمد جواد شریعت. ۲ ج. اصفهان: مشعل.
- ۲۷- ----- (۱۳۶۰). ینبوع الاسرار فی نصائح الابرار. تصحیح مهدی درخشان. تهران: انتشارات انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی.
- ۲۸- خواند میر، غیاث الدین بن همام الدین. (۱۳۵۳). تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر. تصحیح محمد دبیر سیاقی. ۴ ج. تهران: خیام. چاپ دوم.
- ۲۹- دقایقی مروزی، شمس الدین محمد. (۱۳۴۵). راحه الارواح فی سرور المفراح (بختیارنامه). تصحیح ذبیح الله صفا. تهران: دانشگاه تهران.
- ۳۰- ----- (۱۳۸۱). مرموزات اسدی در مزمورات داودی. تصحیح محمد رضا شفیعی کدکنی. انتشارات سخن.
- ۳۱- ----- (۱۳۵۲). عقل و عشق. تصحیح دکتر تقی تفضلی. تهران: زوآر.
- ۳۲- رامی تبریزی، حسین بن محمد. (۱۳۴۱). حقایق الحدایق. تصحیح محمد کاظم امام. نشر دانشگاه تهران.
- ۳۳- راوندی، محمد بن علی بن سلیمان. (۱۳۶۴). راحة الصدور و آیه السّرور در تاریخ آل سلجوق. تصحیح محمد اقبال. تهران: امیرکبیر. چاپ دوم.
- ۳۴- روملو، حسن. (۱۳۴۹). احسن التّواریخ. تصحیح عبدالحسین نوایی. بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۳۵- زمچی اسفزاری، معین الدین محمد. (۱۳۳۸). روضات الجنّات فی اوصاف مدینه هرات. تصحیح محمد کاظم امام. تهران: دانشگاه تهران.
- ۳۶- سمرقندی، دولت‌شاه بن علاء الدّوله. (۱۳۳۸). تذکره الشعراء. به همّت محمد رضانی. تهران: خاور.
- ۳۷- سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق. (۱۳۷۲). مطلع سعدین و مجمع بحرین. به اهتمام عبدالحسین نوایی. چاپ دوم. ۲ ج. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۳۸- سمنانی، علاء الدّوله (احمد بن محمد بن احمد بیابانکی). (۱۳۶۲). العروة لاهل الخلوّة و الجلوّه. به تصحیح نجیب مایل هروی. انتشارات مولی. چاپ اول.

- ۳۹- ----- (۱۳۶۹). مصنفات فارسی. به کوشش
نجیب مایل هروی. چاپ اول. انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۴۰- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم. (۱۳۶۸). حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه. تصحیح
محمدتقی مدرس رضوی. تهران: دانشگاه تهران.
- ۴۱- ----- (۱۳۴۱). دیوان حکیم سنایی. تصحیح محمدتقی
مدرس رضوی. تهران: کتابخانه ابن سینا.
- ۴۲- ----- (۱۳۳۶). دیوان حکیم سنایی. تصحیح مظاهر مصفا. تهران:
امیرکبیر.
- ۴۳- ----- (۱۳۱۶). سیرالعباد الی المعاد. به اهتمام حسین کوهی
کرمانی و به تصحیح سعید نفیسی. تهران: آفتاب.
- ۴۴- ----- (۱۳۴۸). مثنوی‌های حکیم سنایی. تصحیح محمدتقی مدرس
رضوی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴۵- ----- (۱۳۶۲). مکاتیب سنایی. به اهتمام نذیر احمد. تهران: فرزانه.
چاپ اول.
- ۴۶- شامی، نظام الدین. (۱۳۶۳). ظفرنامه. به اهتمام پناهی سمنانی. تهران: بامداد. چاپ اول.
- ۴۷- شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد. (۱۳۶۳). مجمع الانساب. تصحیح میرهاشم محدث.
تهران: امیرکبیر. چاپ اول. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۴۸- شبستری، محمود بن عبدالکریم. (۱۳۷۱). مجموعه آثار شیخ محمود شبستری (مرآت
المحققین). تصحیح صمد موحد. تهران: طهوری.
- ۴۹- شمس قیس. (۱۳۸۸). المعجم فی معاییر اشعار العجم. تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی
و مدرس رضوی و سیروس شمیسا. تهران: علم. چاپ اول.
- ۵۰- شیعی سبزواری، ابوسعید حسن بن حسین. (۱۳۷۵). مصابیح القلوب. به کوشش محمد
سپهری. تهران: بنیان. چاپ اول.
- ۵۱- صفوی، طهماسب بن شاه اسماعیل. (۱۳۵۰). تذکره شاه طهماسب صفوی. تصحیح
عبدالحسین نوایی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

- ۵۲- ----- (۱۳۶۹). معیار الاشعار. تصحیح جلیل تجلیل. نشر ناهید.
- ۵۳- ظهیری سمرقندی، محمد بن علی. (۱۳۴۹). اغراض السیاسه فی اعراض الریاسه. تصحیح جعفر شعار. تهران: دانشگاه تهران.
- ۵۴- ----- (۱۳۸۱). سندبادنامه. تصحیح محمد باقر کمال الدینی. تهران: میراث مکتوب.
- ۵۵- عبید زاکانی، عبیدالله. (۱۳۷۴). اخلاق الاشراف. به کوشش علی اصغر حلبی. نشر اساطیر.
- ۵۶- علی حوری فیض‌آبادی، محبوبه، (۱۳۸۹)، «بررسی و تحلیل کاربرد اشعار سنایی در متون نثر تا پایان قرن دهم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر محمد جعفر یاحقی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد
- ۵۷- عوفی، محمد بن محمد. (۱۳۵۹). جوامع الحکایات و لوازم الروایات. تصحیح مظاهر مصفا. انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ۵۸- ----- (۱۳۷۱). جوامع الحکایات و لوازم الروایات. تصحیح محمد معین. تهران: دانشگاه تهران.
- ۵۹- عین القضاة همدانی، عبدالله بن محمد بن علی. (۱۳۷۷). تمهیدات. تصحیح عقیف عسیران. تهران: منوچهری.
- ۶۰- ----- (۱۳۳۷). رساله لوائج. تصحیح رحیم فرمنش.
- ۶۱- ----- (۱۳۶۲). نامه‌های عین القضاة همدانی. به اهتمام علینقی منزوی و عقیف عسیران. ۲ج. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۶۲- غزالی، احمد بن محمد. (۱۳۵۸). مجموعه آثار فارسی احمد غزالی. احمد مجاهد (گردآورنده). نشر دانشگاه تهران.
- ۶۳- ----- (۱۳۵۹). سوانح. تصحیح هلموت ریتز و نصرالله پورجوادی. نشر بنیاد فرهنگ ایران.
- ۶۴- غزنوی، محمد بن موسی. (۱۳۴۵). مقامات زنده پیل. تصحیح حشمت الله مؤید سنندجی. نشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- ۶۵- غفاری قزوینی، احمد بن محمد. (۱۳۴۳). تاریخ جهان آرا. نشر کتابفروشی حافظ.
- ۶۶- ----- (۱۳۶۲). تاریخ نگارستان. تصحیح مرتضی مدرس گیلانی. تهران: حافظ. چاپ اول.
- ۶۷- فخر مدبر، محمد بن منصور. (۱۳۴۶). آداب الحرب و الشجاعة. به تصحیح احمد سهیلی خوانساری. نشر اقبال.
- ۶۸- فراهی هروی، معین الدین. (۱۳۴۶). تفسیر حدائق الحقائق. تصحیح جعفر سجادی. تهران: دانشگاه تهران.
- ۶۹- قمی، نجم الدین ابوالرجاء. (۱۳۶۳). تاریخ الوزراء. به کوشش محمد تقی دانش پژوه. نشر مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۷۰- کاتب، بهاء الدین محمد بن حسن بن اسفندیار. (۱۳۲۶). تاریخ طبرستان. تصحیح عباس اقبال آشتیانی و محمد رمضانی. تهران: خاور.
- ۷۱- کاشانی، جمال الدین ابوالقاسم عبدالله بن علی بن محمد. (۱۳۶۶). زبده التواریخ. تصحیح محمد تقی دانش پژوه. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. چاپ دوم.
- ۷۲- کاشانی، عزالدین محمود. (۱۳۸۵). مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه. تصحیح عفت کرباسی و محمد رضا برزگر خالقی. تهران: زوار. چاپ دوم.
- ۷۳- کاشانی، میر تقی الدین. (۱۳۸۴). خلاصه الاشعار و زبده الافکار. به کوشش عبدالعلی ادیب برومند و محمد حسین نصیری کهنمویی. ج ۶. تهران: میراث مکتوب.
- ۷۴- کاشفی، حسین بن علی. (۱۳۲۹). مواهب علیه یا تفسیر حسینی. تصحیح محمد رضا جلالی نائینی. ج ۴. تهران: اقبال.
- ۷۵- کاشفی، کمال الدین حسین بن علی. (۱۳۶۲). انوار سهیلی. تصحیح محمد روشن. تهران: امیرکبیر.
- ۷۶- کرمانی، افضل الدین ابوحامد احمد بن حامد. (۱۳۵۶). عقد العلی للموقف الاعلی. تصحیح علی محمد عامری نائینی. مقدمه باستانی پاریزی. نشر روزبهان.
- ۷۷- گازرگاهی، امیرکمال الدین حسین. (۱۳۷۵). مجالس العشاق. به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد. انتشارات زرین. چاپ اول.

- ۷۸- لازار، ژیلبر. (۱۳۶۱). اشعار پراکنده قدیمیترین شعرای فارسی زبان. ۲ جلد. تهران: انجمن ایران‌شناسی فرانسه.
- ۷۹- محقق ترمذی، برهان الدین. (۱۳۷۷). معارف. به تصحیح بدیع الزمان فروزانفر. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. چاپ دوم.
- ۸۰- محمود بن عثمان. (۱۳۵۸). فردوس المرشديه فی اسرار الصمديه. تصحیح ایرج افشار. نشر انجمن آثار ملی.
- ۸۱- مستوفی، حمدالله بن ابی بکر بن احمد بن نصر. (۱۳۳۹). تاریخ گزیده. به کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: امیرکبیر.
- ۸۲- معلّم یزدی، معین الدین بن جلال الدین محمد. (۱۳۲۶). مواهب الهی. تصحیح سعید نفیسی. ۲ ج. تهران: اقبال.
- ۸۳- ملطیوی، محمد بن غازی. (۱۳۸۳). روضه العقول. تصحیح محمد روشن و ابوالقاسم جلیل پور. نشر فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۸۴- منشی، ابوالمعالی نصرالله. (۱۳۸۱). کلیله و دمنه. تصحیح مجتبی مینوی. چاپ بیست و دوم. تهران: امیرکبیر.
- ۸۵- منشی، محمد بن هندوشاه. (۱۳۴۱). صحاح الفرس (فرهنگ لغات فارسی از قرن هشتم هجری). تصحیح عبدالعلی طاعتی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۸۶- منشی قمی، احمد بن حسین. (۱۳۶۳). خلاصه التواریخ. تصحیح احسان اشراقی. نشر دانشگاه تهران.
- ۸۷- منشی کرمانی، ناصرالدین. (۱۳۶۲). سیمط الثلی للحضرة الثلیا. تصحیح عباس اقبال آشتیانی. تهران: اساطیر. چاپ دوم.
- ۸۸- مولوی، جلال الدین محمد بن محمد. (۱۳۷۵). مجالس سبعة مولانا. به اهتمام فریدون نافذ. انتشارات جامی.
- ۸۹- ----- (۱۳۳۵). مکتوبات. به کوشش یوسف جمشیدی پور، غلامحسین امین. تهران: بنگاه مطبوعاتی پاینده.

- ۹۰- ----- (۱۳۷۸). **فيه ما فيه**. تصحيح بديع الزمان فروزانفر. به كوشش زينب يزداني. نشر فردوس.
- ۹۱- ميبدي، ابوالفضل رشيد الدين. (۱۳۶۱). **كشف الاسرار و عده الابرار**. به اهتمام علي اصغر حكمت. تهران: اميركبير. چاپ چهارم.
- ۹۲- ميبدي، حسين بن معين الدين. (۱۳۷۶). **منشآت ميبدي**. تصحيح نصرت الله فروهر. تهران: ميراث مكتوب. چاپ اول.
- ۹۳- ميرحسيني غوري هروي، ميرحسين بن عالم. **نزهة الارواح**. به تصحيح نجيب مايل هروي. تهران: زوار.
- ۹۴- ميرخواند، محمد بن خاوند شاه. (۱۳۸۰). **تاريخ روضة الصفا في سيره الانبياء و الملوك و الخلفا**. تصحيح جمشيد كيان فر. ۱۰ ج. تهران: اساطير. چاپ اول.
- ۹۵- ميهني، محمد بن منور بن ابى سعد بن ابى طاهر بن ابى سعيد. (۱۳۶۷). **اسرار التوحيد في مقامات شيخ ابى سعيد**. تصحيح و مقدمه محمد رضا شفيعى كدكنى. ۲ ج. نشر آگاه.
- ۹۶- نجم رازى. (۱۳۸۶). **مرصاد العباد الى المعاد**. به اهتمام محمد امين رياحى. نشر شركت انتشارات علمى و فرهنگى.
- ۹۷- نخجوانى، هندوشاه بن سنجر بن عبدالله. (۱۳۱۳). **تجارب السلف در تواريخ خلفا و وزراى ايشان**. تصحيح عباس اقبال آشتياني. تهران: طهورى.
- ۹۸- نسفى، عبدالعزيز بن محمد. (۱۳۴۴). **كشف الحقايق**. تصحيح احمد مهدوى دامغانى. نشر بنگاه ترجمه و نشر كتاب.
- ۹۹- نسوى، شهاب الدين محمد. (۱۳۸۱). **نفثة المصذور**. تصحيح اميرحسن يزدگردى. تهران: توس. چاپ اول.
- ۱۰۰- نصيرالدين طوسى. (۱۳۶۲). **اخلاق ناصرى**. نشر خوارزمى.
- ۱۰۱- نطنزى، معين الدين. (۱۳۸۳). **منتخب التواريخ معينى**. به اهتمام پروين استخرى. تهران: اساطير.
- ۱۰۲- نظامى، حسن. **تاج المآثر**. مشهد: كتابخانه آستان قدس رضوى. شماره ۴۱۷۶. [نسخه خطى]. [تأليف ۶۰۲ ق. تاريخ كتابت ۱۰۱۹ ق.]

- ۱۰۳- واعظ بلخی، ابوبکر عبدالله بن عمر بن محمد بن داود. (۱۳۵۰). فضائل بلخ. به ترجمه فارسی عبدالله محمد بن محمد بن حسین حسینی بلخی. به تصحیح عبدالحی حبیبی. انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ۱۰۴- واعظ کاشفی سبزواری، کمال الدین حسین. (۱۳۶۹). بدایع الافکار فی صنایع الاشعار. تصحیح میرجلال الدین کزازی. تهران: نشر مرکز. چاپ اول.
- ۱۰۵- ----- (۱۳۷۹). جواهر التفسیر. تصحیح جواد عباسی. تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.
- ۱۰۶- وراوینی، سعدالدین. (۱۳۶۷). مرزبان نامه. تصحیح محمد روشن. نشر نو.
- ۱۰۷- وطواط، رشید الدین محمد بن محمد. (۱۳۳۸). نامه‌های رشید الدین وطواط. تصحیح قاسم تویسرکانی. ۴ ج. تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۰۸- ولی، نعمت الله بن عبدالله. (۱۳۵۷). رسائل حضرت سید نور الدین شاه نعمت الله ولی کرمانی. به کوشش جواد نوربخش. تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۰۹- هدایت، رضاقلی خان. تذکره ریاض العارفین. به کوشش مهرعلی گرکانی. انتشارات کتاب فروشی محمودی.
- ۱۱۰- ----- (۱۳۸۲). مجمع الفصحاء. به کوشش مظاهر مصفا. چاپ دوم. ج ۱. تهران: امیر کبیر.
- ۱۱۱- هروی، سیف بن محمد بن یعقوب. (۱۳۸۵). تاریخ نامه هرات. تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد. تهران: اساطیر. چاپ دوم.
- ۱۱۲- همدانی، رشیدالدین فضل الله. (۱۳۵۷). لطایف الحقایق. به کوشش غلامرضا طاهر. ۲ جلد. ناشر: کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد.
- ۱۱۳- ----- (۱۳۶۲). جامع التواریخ. اهتمام احمد آتش. تهران: دنیای کتاب. چاپ اول.
- ۱۱۴- ----- (۱۳۷۱). اسئله و اجوبه رشیدی. به کوشش رضا شعبانی. جلد ۲. ناشر: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

۱۱۵- ----- (۱۳۸۶). بیان الحقایق. تصحیح هاشم رجب زاده. تهران: میراث
مکتوب.

۱۱۶- همدانی، علی بن شهاب الدین. (۱۳۵۸). ذخیره الملوك. تصحیح سید محمود انواری
همدانی. تبریز: دانشگاه تبریز.

